

سرود نهم

هیئت اعزامیه برای ترضیه آشیل

هیئت فتح و غلبه سپاه تروا ترس و وحشت سختی
 بر اردوی یونان مستولی کرد . آگاممن که سپهسالار
 کل قشون بود و بالطبع مسؤولیت شکست بیشتر بطرف
 او متوجه میگردد ناچار شد که در خصوص مراجعت
 بیونان یا مقاومت در مقابل ضربت و حمله تروا با سرگردگان
 شور نماید پس امر کرد سرگردگان را برای تشکیل
 شورای قشونی احضار کنند و چون آنها تردید آگاممن
 حضور بهرسانیدند آگاممن مجلس را منقاد کرد و نطقی
 ایراد نموده خستگی سپاه و عدم مساعدت خدایان را ذکر
 نمود و گفت چنانچه حضار صلاح دانند صلای رحیل و
 عودت بیونان دهیم دیومد بر خاسته در جواب آگاممن
 پنداری و نجات را لازم شمرد و بعد از وی نستر نیز
 مراجعت سپاه را مقتضی ندانست . آگاممن جلسه را ختم
 کرده گفت برای شور دیگری من سرگردگان را دعوت
 میکنم که در ولیمه و میهمانی من حاضر شوند سر-
 گردگان در خیمه آگاممن حاضر شده و پس از صرف
 طعام نستر برخاست و گفت اگر چه سپهسالار کل قشون
 هر امری دهد باید همه اطاعت کنیم و در مقابل میل

و رغبت او سر تعظیم فرود آوریم ولی چون با ما
 وارد شود گردیده من اجازت می طلبم که عقیده و
 صلاح دید خود را برض او برسانم . اکاممن گفت هر
 چه را صلاح دانی بگویی نسترگفت ما باید از آشیل
 صدرت خواسته و هر طور هست در پی رضایتش برآئیم
 زیرا چنانچه توانستیم آشیل را راضی کنیم که برای جنگ
 حاضر شود زوشیر که تمام کائنات محکوم حکم اویند
 نیز از ما راضی خواهد بود . اکاممن قبول کرده و
 هیشی از سران سپاه برداست اولیس همین گردید که با
 هدایا و تحف بسوی آشیل کسپیل داشته و از وی ترضیه
 بخواهند . هیئت اعزامی از اشخاص ذیل تشکیل یافت :

اولیس - نستر - فنیکس (۱) - آژاکس - ادیوس (۲)
 اوریبات (۳)

و هدایا عبارت بود از هفت عدد سه پاپه که هنوز
 در تنش استعمال نشده باشد (۴) ، پوست عدد هشت
 صیقلی شده ، ده کیسه پول طلا (۵) ، بکراس اسبی که

(۱) *Phenix* (۲) *otius* (۳) *Eurybate*

(۴) در قدمت سوم کذب اینگونه رسوم و عادات

شرح داده شد

(۵) نتیجه تحقیقاتی که همزین ادمار همراهموده

اند قیمت پول های در آن ده کیسه بحساب این زمان

چهل هزار فرانک بوده است

در اسب دوانی ها مکرراً از میان دوازده اسب جایزه
را ربوده است و هفت نفر کتیز که هم صاحب روی‌زیا
و موی دلکش و هم دارای صنعت و کمال بوده باشند

هدایای فوق را اکامنتن پیشنهاه کرد و همه تحسین
نمودند و اکامنتن در همان مجلس مشهد شد که چنانچه
الیون را فتح نمایند هدایای دیگری که پلک پک آنها را
ذکر نمود به آشیل اهدا نماید و همچنین هفت مملکت را
بند از روضه بر تروا و مراجعت بیونان به آشیل ببخشد
صدای تمجید و تحسین از جمیع حضار بلند گردید و
همگی سجایای اخلاقی اکامنتن را ستایش کردند و توفیق
سپاهرا از درگاه خدای خدایان مسلمات نموده سلامتی
اکامنتن و پیشرفت ماموریتی که هیئت اعزامی داشت سزای
زدند و چون از نوشیدن شراب فارغ شدند برای عزت
و اجرای ماموریت برهما گردیدند . نسترلیک یگرا سفارش
کرد که در روضه آشیل اسرار و جدیت کنند

هیئت مزبور از خیمه اکامنتن حرکت کرده بساحل دریا
که آشیل در آنجا انزوا گزیده بود رهسپار گردید . آشیل
برای تسلیت و تخفیف درد و غم مشغول چنگ زدن بود
و ما پاترگل (۱) یگانه دوست عزیز خود و دو نفر از
کتیزان خوب روی روز کار پر از اندوه و محنت خویش را
بسر میرد که فرستادگان اردو رسیدند ، آشیل برخاسته

آنها سلام و تحیت گفت و روی مرض نشانیده به پتنگل
 گفت از شراب مخصوص خودش برای میهمانان حاضر کند
 و خود برخاست و مشغول افروختن آتش گردید ، سپس
 يك گوسفند ، يك بز ، يك گراز جوان و فربه برای پدبرائی
 واردین ذبح کرد . همینکه افروختگی آتش تمام شد و
 گوشت را کباب نموده سفره را گسترده و مشغول صرف
 طعام شدند . پس از صرف طعام آژاکس شروع سخن
 کرد و آشیل را ثناگفته ناموریت فرستادگان را بیان نمود .
 بعد از وی اولیس خطبه ای خواند و سوابق خویش را با
 آشیل اظهار داشت و وصایاییکه پدر آشیل به پسرش کرده
 بود بخواند و مودت و صمیمیت اکامنین را ابلاغ کرد و
 آشیل را سوگند داد که اگر نسبت به اکامنین بی مهر-
 است مساعدت خود را از قوم خود دریغ ننماید . طلق
 اولیس هیچ تاثیری در آشیل نکرد و از قبول دعوت اولیس
 استنکاف نمود . سپس فنیکس که استاد و مربی آشیل بود شروع
 بصحبت کرد و اینم کودکی آشیل را پیاده وی آورد که
 چگونه او را گرد خود راست میداشت و از وی توجه میکردند اندازه
 ای که آشیل مثل فرزندان عزیز برای او گردیده بود . فنیکس برای ترضیه
 آشیل بسی اصرار و التماس کرده از جانب اکامنین بسیار تواضع و
 فروتنی نمود بعد از او آژاکس نیز از طرف اکامنین
 عذر خواهی کرد و علاقه و محبت سرگردگان سپاه را
 باشیل برگفت ولی چه سود آن خطابه ها ، آن فروتنیها

و آن عدد خواهی ها آشیل را قانع نساخت و این دلاوری که قلب و نهجیده ای داشت از تعداد خوبش دست نکشید . هیت اعزازی بدون انجام مقصود نزد آکامین مراجعت کردند و سرگذشت ملاقات خود را بیان نمودند . دیومد که با سایر سران قشون حاضر بود گفت اگر آشیل راضی شد و بکملک ما نیامد ما را باکی نیست . ما در مقابل هوای خصم مقاومت خواهیم کرد . اکنون شایسته چنین است که برای حضور در جنگ فردا پیش از این اوقات خود را صرف صحبت آشیل ننموده بر رفع خستگی پردازیم . حاضر از سخنان دیومد بر سر غیرت ذر آمده و برای جنگ فردا تصمیم گرفتند .

سرود دهم

اولیس و دیومد شبانه مشغول تحقیق اوضاع سپاه

دشمن میشوند

ظلمت شب عاتم را فرا گرفته بود . سپاه یونان از خواب و آسایش تمتع میبرد ولی آکامین بسیار مشوش و پریشان حال بود و چون سعی او در ترضیه آشیل سودی نبخشید ، بود افکارش سخت تشنج واضطراب داشت و از این جهت تمام طول شب نخواهد رعد میبرد و برق ، هوا را مثل قلب آکامین هر لحظه دچار لرزش و اهتزاز میکرد